



B. Nikitine      بازیل نیکی تین

ترجمه: جلال سناری

## مضامین اجتماعی در ادب جدید ایران (۱)

بازیل نیکی تین از اهالی روسیه و کنسول آن دولت در ارومیه بهنگام جنگ بین الملل اول بود . پس از انقلاب شوروی به فرانسه رفت و در پاریس مقیم بود . او در رشته مطالعات ایران شناسی مقالات متعدد دارد و از جمله همین مقاله است که ترجمه اش به لطف دوست دانشمندان به مجله رسیده . مقالات و نامه های فارسی او که به شیرینی نگارش می شد در دوره مجله راهنمای کتاب چاپ شده است و برای تجدید یاد آن در گذشته عکس او را در اینجا چاپ می کنیم . ضمناً باید گفت ترجمه خاطراتش از دوران اقامت در ارومیه که در تهران طبع شده است (ایرانی که من شناختم) از منابع مهم و خواندنی است . کتاب مهم دیگر او به زبان فرانسه "گردها" عنوان دارد و سزاوار است که به فارسی ترجمه آن انتشار یابد .

آینده

در این نظر اجمالی قصد نداریم آثار ادبی " جانبدار " و مدافع نظریه خاصی را که در آنها مسائل اجتماعی مورد تاءکید قرار گرفته ، معرفی کنیم . وانگهی بررسی این مسائل هنوز در ایران به اندازه کافی پیشرفت نکرده است . غرض من بیشتر اینست که نشان دهم در چه

دوره‌های مفهوم اجتماعیات در نثر جدید فارسی ظاهر میشود و سپس معلوم کنیم که انتخاب شیوه نثر نویسی جدید و ساده کردن زبان ادبی، بیش از ابتکاری تصادفی، بلکه نوآوری حائز ارزش و اهمیتی است که برد اجتماعی عظیمی دارد، و سرانجام درونمایه‌های اجتماعی تعدادی آثار ادبی (یا مقالات) به قلم نثر نویسان معاصر ایرانی را بر حسب موضوع و مسائل، دسته بندی کنیم.

\*

برای آنکه از عهده انجام دادن چنین کاری برآیم چهارنمائی بهتر از جمالزاده، سردمدار و پیشکسوت بلا معارض نثر (نویسان) امروزین می‌توانم برگزینیم؟ جمالزاده در ۱۹۲۲ در مقدمه مجموعه داستانهایش "یکی بود یکی نبود" همکاران خویش را به نوشتن به زبانی زنده، ساده و دریافته، به جای اسلوب پر تکلف و مشحون به لغات عربی مرسوم در نثر نویسی آنروزگار، دعوت کرد.

باز جمالزاده است که نخستین بار در مقاله‌ای مهم<sup>۳</sup>، مسئله رمان اجتماعی در ایران را مطرح ساخت. می‌نویسد هنوز نویسندگان زیادی هستند که در دایره تنگ افکار و موضوع‌های قدیمی مانده‌اند. هیچ کس منکر ارزش عمیق آثار کلاسیک نیست، معهذا دیگر نمی‌توان به همین حد و اندازه اکتفاء و قناعت کرد و همه "مسائل اجتماعی و حیاتی" را از عرصه ادبیات بیرون ریخت. آیا مردان ادب غرب وظیفه خود نمی‌دانند که توجه مردم را به "مفاسد و معایب اجتماعی" جلب کنند؟ آثار آنان کمک بزرگی به تحقق اصلاحات اجتماعی می‌کند. منقدان به نویسندگان جدید خرده می‌گیرند که معایب جامعه ایرانی را بدون آنکه درمان دردوراههای اصلاح آنرا نیز بنمایند، افشاء می‌کنند. حجازی با وصف محیط دیوانیان بدانگونه که واقعا هست در "زیبا"، دهاتی با معرفی محیط جوانان پایتخت در "تفریحات شب"، هر دو دست بر "جراحات اجتماعی" می‌نهند و خطر "امراض اجتماعی" را نشان می‌دهند. وقتی در کتاب دهاتی به عنوان مثال می‌خوانیم (ص ۵۰). "ما برای خدمت بوطن، شایسته تر از طبقات بالا هستیم، زیرا ما، در وطن بیشتر رنج کشیده‌ایم. ما وطن را بیشتر از همه دوست داریم، زیرا محنت و صدمات وطن بیشتر از همه، قلب‌های ما را سوراخ کرده است"<sup>۴</sup> در وطن دوستی او تردید نمی‌توان کرد. ۵.

البته جمالزاده اذعان دارد که به حال ملت و جامعه‌ای که در چنین وضع اسفباری قرار گرفته نمی‌توان افسوس نخورد، اما قبول می‌کند که مادام که مناسبات اجتماعی بر رسوم و عادات فاسد مبتنی است و خشونت و قهر حاکم است، انتقادهای تند و گزنده نویسندگان یادشده، حقیقت دارد و بی ثمر نیست. خلاصه کلام، جمالزاده معتقد است که نمی‌توان به نویسندگان رمانهای اجتماعی خرده گرفت که کاری بیهوده کرده‌اند.

چند سال بعد جمالزاده در مصاحبه‌ای<sup>۶\*</sup> نظرات خود را تصریح کرد. نخست با گرایش مبتنی بر تنقید از سبک‌های ادبی خارجی به شدت مخالفت ورزید. " ما باید ایرانی‌مانیم، ایرانی بیندیشیم و برای ایرانیان بنویسیم. مکتب‌های عجیب و غریب موسوم به سوررالیسم و اکزیستانسیالیسم به کار نوبسته‌ده ایرانی نمی‌آید." و در دنباله سخنانش متذکر شد که قدمت ادبیات پارسی به هزار سال و حتی دو هزار سال پیش، اگر به قبل از اسلام بازگردیم، می‌رسد. وقتی در فرانسه به زحمت می‌نوشتند، فردوسی شاهنامه می‌سرود... وانگهی آیا نیاز به تأکید هست که جلال الدین مولوی در برخی از بخشهای مثنوی " رآلیست " و در قسمت‌های دیگر " سمبولیست " است؟ و اشعاری که کودکان می‌خوانند، غالباً مبین نوعی 'سوررالیسم' است!

جمالزاده در پاسخ به این سؤال که آیا ادب پارسی از روزگاری که او در ایران بوده، ۷ پیشرفت کرده، درجا زده و یا به عقب رفته است، گفت که " نثر پارسی در ۳۰، ۴۰ سال اخیر ترمی کرده است " و از جواب دادن به این پرسش که آیا این پیشرفت نتیجه فراهان او در سال ۱۹۲۲ بوده است، خودداری کرد و گفت این بر عهده مورخان ادبیات است که در اینباره قضاوت کنند. به هر حال پدر مسلم اینست که اکنون " به زبانی ساده، روشن و تقریباً عاری از اصطلاحات خارجی می‌نویسند ".

پرسیدند آیا داستانهای کوتاهی که به شیوه نگارش خودتان - که نخستین بار شما به کار بردید - نوشته شده باشد، خواننده‌اید؟ جمالزاده گفت بسیار مایه سربلندی و مباهات وی خواهد بود اگر کتاب یکی بود یکی نبود، سرآغاز مکتب نوین نثر نویسی به زبان پارسی قرار گرفته باشد. ضمناً چنین می‌پندارد که این سبک نگارش در جو زمانه موج می‌زد و در راه بود و اگر او بدین سبک نمی‌نوشت، دیگری این کار را می‌کرد. بخت با او یار بود که این افتخار نصیبش شد. در آرزوگار بسیار جوان بود. اکنون با روحیه و قصد دیگری می‌نویسند.

قصه نویس‌ها بیشتر به انتقاد اجتماعی گرایش دارند. جمالزاده اذعان دارد که دریافته که نقل یک حکایت به تنهایی کافی نیست، بلکه باید از آن نتیجه و درسی گرفت. و این همان راهیست که بزرگان فرهنگ ایرانی چون حافظ و مولوی رفته‌اند. و جمالزاده بدین مناسبت عقاید گوتنه، نیچه<sup>۸</sup> و برگسون را نقل می‌کند.

به اعتقاد جمالزاده، طی ۲۰ سال اخیر، می‌توان از آثار چند نویسنده خوب یاد کرد، خاصه صادق هدایت، محمد مسعود دهانی، حجازی، بزرگ علوی، دشتی، صادق چوبک و غیره<sup>۹</sup>. جمالزاده با تمایل بعضی نویسندگان به فرویدیسم که " باقوه شامه و باصره " فاطمه هموطنان وفق نمی‌دهد، مخالف است.

و اما درباره آثار خودش، جمالزاده می‌پندارد که عموحسینعلی، صحرای محشر (خاصه

نظرات در باب وارستگی و آزادی که در پایان کتاب آمده) بهترین آنهاست، بی آنکه منکر ارزش راه آبانامه که جنبه‌های طنزآمیز دارد، قلشن دیوان و دارالمجانین بشود. روزنامه‌نگاری که با جمالزاده مصاحبه می‌کرد، خود اظهار نظر می‌کند که "بدینگونه او صحنه‌های بسیار غم‌انگیزی از زندگانی ایرانیان ترسیم کرد، چیزی که در ادبیات منثور پارسی بسیار کم سابقه دارد".

حاصل سخن اینکه جمالزاده می‌گوید از استقبال جوانان از آثارش خوشنود است و ابراز امیدواری می‌کند که جوانان صاحب فکر و سلیقه، کتابهایی برای پر کردن خلأ موجود در ادب پارسی بنویسند، وظیفه‌ای که دیگر قلم خسته و سالخورده او قادر به ادای آن نیست.<sup>۱۰</sup> باید جوانانی را که به "حلاجی" زبان و اندیشه پارسی کمک خواهند کرد، و کم‌کم جای خویش را نزد ملل همسایه باز خواهند کرد و پایگاهی خواهند یافت، تشویق کرد.

جمالزاده با حسن استقبال از انتشار دورمان اجتماعی در ۱۹۳۳، اعتقاد عمیق و ایمان و اطمینان قلبی خویش را دایر بر اینکه آثار منشور سرانجام در ادب فارسی جایی به دست خواهند آورد که فروتر از مقام آثار بزرگ منظوم گذشته به زبان پارسی نخواهد بود، اظهار می‌داشت. و این ابراز عقیده آشکاراناشی از اراده تشویق نویسندگان مکتب جدید و دفاع از آنها در قبال بعضی انتقادهای بی اساس بود. نثر جدید پارسی برای حق اهلیت یافتن مبارزه کرده است و هنوز هم می‌جنگد. نثرنویسان جدید ایرانی به باره مقاومت سرسختانه کسانی برمی‌خورند که فضیلت ادیب بودن را فقط برای شاعران، یعنی تنها ادامه‌دهندگان واقعی سنت ادبی کلاسیک پارسی، از دیدگاه آنان قائل اند. حدود این مقاله اجازه نمی‌دهد که به تاریخچه این تحول کند بپردازم.

علاوه بر ادوارد براون (E. Browne)، ژ. رپکا (J. Rypka)، روبن لوی (Reuben Levy)، روزه لسکو (Roger Lescot)<sup>۱۱</sup> و خاصه برتلس (Berthels)، چاپکین (Čaikin) و روماسکوویچ (Romaskevič) قبلاً مراحل عمده این تحول را معلوم کرده‌اند. بررسی اجمالی اما پر مایه هانری ماسه (Cahier du sud، ۱۹۳۵)، آخرین فصول تحقیق جامع سعید نفیسی درباره رمان در ادبیات ایرانی (Journal de Téhéran، اکتبر و نوامبر ۱۹۳۹) را نیز بر این جمله باید افزود. این مورخ ادبیات پارسی همچنین خطوط اصلی ادبیات پارسی را در مقدمه‌هایی که بر آثار گذشتگان نوشته و آنجا که اطلاع دارم، آخرین نوشته هائیکست که در این باره انتشار یافته، ترسیم کرده است.<sup>۱۲</sup>

می‌دانیم که تحول و توضیح گرفتن و قوام یافتن تدریجی نثر معاصر فارسی، مرهون نمونه‌هاییست که ترجمه فارسی کتب فرانسه (خاصه ترجمه‌های صنیع الدوله<sup>۱۳</sup> و فروغی) و بعضی نمایشنامه‌ها به زبان ترکی (طالبوف) به دست می‌داده است. سعید نفیسی از تأثیر این ترجمه‌ها سخن

می‌گوید و خاطر نشان می‌کند که این اقتباس‌ها " به زبان فارسی نرم و روان و با وجود برای این آراسته و درخشان، به خوبی با آداب و رسوم زمانه سازگاری داشته‌اند. عقیده هانری ماسه نیز مؤید نظر سعید نفیسی است.

اما در مقابل، از جمله نخستین کتابهای چاپ سنگی خورده که در تبریز نشر یافت، ترجمه‌ای از ولتر هست به فارسی بدو معیوبی، به خاطر وفاداری برده و مترجم نسبت به متن اصلی که بر اثر آن قادر نیست برای اصطلاحات مخصوص به زبان فرانسه، معادل‌های فارسی بیابد، بلکه اصطلاحات فرانسه را وارد زبان فارسی می‌کند. این سنت مدت‌ها دوام داشت و می‌توان گفت که این ترجمه‌های فارسی از شاهکارهای ادب فرانسه، در خراب کردن زبان فارسی معاصر که از حدود بیست سال پیش همه ادبای صاحب اعتبار کشور زبیر لوای فرهنگستان ایران با آن بیهوده مبارزه می‌کنند مؤثر افتاده است. فرهنگستان ایران از بدو تا سیس رهبر و سرپرست این نهضت مبارزه است.<sup>۱۴</sup>

جمالزاده به حق، سادگی و بی تکلفی شیوه خاص حجازی و دهاتی و بویژه دهاتی را قدر می‌نهد و معتقد است که آثار آنها منطبق با " کیفیات اجتماعی جدید " و " انقلاب روحی " است. این سبک انشاء نوین که از مشخصات آن " عدم تصنع " و " سادگی " است، " فاتحه " اسلوب متکلف و مصنوع قدیم را که برای الفاظ زیبا فی حد ذاته بیش از معانی آنها ارزش قائل بود، خواند.

جمالزاده ضمن یادآوری نام‌های فائز مقام و میرزا عبدالوهاب نشاط که نخستین کسانی بودند که به زبان محاوره توجه نشان دادند<sup>۱۵</sup>، خاطر نشان می‌کند که تقریباً یک قرن طول کشید تا سبک جدید بر کرسی قبول نشست. وسی درنگ هشدار می‌دهد که منظور نوشتن به همانگونه که حرف می‌زنند نیست و نباید تصور کرد که ساده نویسی به معنای قبول زبان گفتگوست. و مهارت استفاده از زبان زنده در تحریر و کتابت، آسان به دست نمی‌آید. گلستان شاهکار بی‌عدیل، نمونه کامل نثر فصیح است. نظر جمالزاده اینست که بدون تقلید از زبان سعدی، بجاست که از بعضی قواعد موضوعه او الهام گیرند.

جمالزاده ضمن اینکه جذب تأثیرات سبک انشاء و تحریر و مصطلحات و لغات خارجی را البته به طریق مطلوب و نیکو، تأیید می‌کند، خشنودی بسیار خود را از ملاحظه اینکه کاربرد زبان توده مردم رواج یافته است، ابراز می‌دارد.<sup>۱۶</sup> مگر خودوی مناسبت و بجا بودن آنرا در یکی بود یکی نبود، حتی با چاپ فرهنگ کوچک لغات عامیانه در همان کتاب، گوشزد نکرده بود؟ قصه نویسی با استفاده از زبان مردم، زنده ترمی شود و طعم و بو و رنگ کاملاً ایرانی می‌یابد. جمالزاده خود در فقه‌ها و در رمانش دارالمحانین، نمونه‌هایی از کاربرد این سبک مردمی و توده‌ای به دست می‌دهد (زبان شاه باجی خانم).

صادق هدایت، نویسنده جدید دیگری از همان سنخ و رده جمالزاده، که به طرز

دلخراش زودازمیان رفت<sup>۱</sup>، و تنوع و غنای آثارش شگفت انگیز است، گواه بر این مدعاست که نثرنویسان معاصر ایرانی به همان اندازه که در الهام پذیری از الگوهای خارجی و غالباً فرانسوی مهارت دارند، در تصویر زنان و مردان این ملت خوب و دوست داشتنی ایران، به طرز زنده و جاندار، با همان زبان تند و تیز و حتی سخت عربیان و بی پروایشان وقتیکه با یکدیگر مشاجره و نزاع می‌کنند، به عنوان مثال در قصه «بی مانند علویه خانم»، توانا و استادند. همین نویسنده با گذاشتن لهجه «نهرونی» در دهان بعضی آدمهایش، نشان می‌دهد که طبقات به اصطلاح پائین، تنها طبقاتی نیستند که این لهجه را به کار می‌برند.

آنچه جمالزاده نمی‌پذیرد، شیوه مبتذل کاربرد تعابیر و تصاویر قالبی در وصف طبیعت، توصیف بهاریا پاییز به صورتی «کلیشهای»، وصف غروب آفتاب یا ذکر اینکه اشعه خورشید در لابلای شاخه‌ها (دیده می‌شد) آوردن کلماتی مبهم و نارساجون پروانه‌ها بر روی «نوعی از گیاه» یا قسمی از طیور است. این «نوعی» یا «قسمی» در طبیعت وجود ندارد. هر چیز نامی دارد و نویسنده باید هر چیزی را به نامش بنامد، همانگونه که حجازی و دهاتی که جمالزاده دقت و غنای فرهنگ لغات ویرا می‌ستاید، می‌کنند. آیا حاجت به تصریح هست که جمالزاده صادق هدایت طبیعت را با مهارت و استادی وصف می‌کنند؟

\*

نیاز به توضیح اهمیت اجتماعی موضع‌گیری جمالزاده در قلمرو زبان نیست که این امری روشن تر از آفتاب است. البته عرض تنزل دادن نثر معاصر و نزدیک کردن آن به زبان گفتگو، زبان مردم بیسواد، چنانچه شاید بعضی از معارضان و مخالفان نهضت ادبی کنونی به طعن و تعریض می‌گویند، نیست. هدف آنست که به نویسندگان توجه داده شود که باید با سرچشمه جوشان زبان توده ارتباط برقرار کنند و در محیطی که آنانرا تقویت خواهد کرد و جان تازه خواهد بخشید و در بطن آن خواهند توانست پیوندهای عمیق با گذشته، با سعدی و حتی با متقدمین او را دوباره احساس کنند، ریشه‌بداوندند. جمالزاده صادق هدایت و دهاتی و حجازی و دیگر نویسندگان، ضمن آنکه به نسل جوان سرمشق‌هایی در داستان نویسی که حرفه ایشانست عرضه می‌دارند، در باب لزوم رعایت نظامات و اصول ادبی که همانا از مقوله حسن سلیقه و اعتدال در انتخاب است، تأکید می‌ورزند.

\*

1- Oriente Moderno, Anno XXXIV, Nr.5, Maggio 1954, pp.225-237.

این مقاله خلاصه مطالبی است که در بیست و یکمین کنگره بین‌المللی خاورشناسان در ۱۹۴۸ در پاریس اظهار داشته و با مطالعات بعدی آنرا تکمیل کرده‌ام.

۲- «کافی نیست که تاریخ جنگها، مرگ شاهان و مغضوب واقع شدن وزرا را ذکر کنیم. باید

بکوشیم تا به قلب طرز کار بنیادها ، رفتار گروه‌های اجتماعی و ملی و مسائل مالی و اقتصادی  
راه یابیم . " ( و . مینورسکی Les études historiques sur la perse depuis 1935, in: Acta Orientalia, XXI, 1951

چند جزوه‌ای را که به نظرم رسیده است ذکر می‌کنم : آلودگی‌های اجتماعی ما ، به قلم محمد  
علی غضائری ، ۱۳۲۵ / ۱۹۴۶ . سوسیالیسم و ایران ، به قلم کوهی ، ۱۳۲۵ / ۱۹۴۶ . حزب  
توده ایران ( چاپ سوم ) ، ۱۳۲۵ / ۱۹۴۶ . برنامه عملی برای رفع بحران مالی و اقتصادی  
ایران ، به قلم علی محمد اویسی ، ۱۳۳۱ / ۱۹۵۲ . نتوانستم به‌درسه‌ای Choumiatsky  
به‌روسی ) در باب " مبارزه طبقاتی ، جنبش‌های انقلابی و کارگران در ایران " که در دانشگاه  
کمونیستی کارگران شرق داده شده ، رجوع کنم .

۳- مژده رستاخیز ادبی . دورمان تازه فارسی ، زیبا و تفریحات شب ، کوشش ، ۱۵ اسفند  
۱۳۱۱ / ۱۹۳۳ .

۴- تفریحات شب ، به قلم محمد مسعود ، چاپ هفتم ، مؤسسه مطبوعاتی علمی ، ص ۷۵  
( مترجم ) .

۵- دهاتی در توطئه‌ای به قتل رسید و قتل او مردم را بشدت متأثر ساخت ، خاصه که مقصر  
هیچ‌گاه شناخته نشد . برای اطلاع از جزئیات ر . ک . به شرح زندگانی پر حوادث محمد مسعود  
مدیر نامه ملی مرد امروز ، به قلم دکتر جوانمرد ، ۱۳۲۷ / ۱۹۴۸ .

۶- ر . ک . به نمره اول مجله آذرپاد ( ؟ ۱۹۳۸ ) : مصاحبه با آقای جمالزاده ، فقط مطالب  
مربوط به نثر نویسی رانقل می‌کنم .

۷- جمالزاده که به علل سیاسی ( مداخله روس در امور ایران ) مجبور به ترک ایران شد ، از  
سال ۱۹۱۴ در خارج بسر می‌برد .

۸- جمالزاده اخیراً " تحقیق متمتعی درباره او در مجله سخن چاپ کرده است .

۹- در همین نوشته آثار این نویسندگان را به استثنای بزرگ علوی ، دشتی و صادق چوبک که  
مناسفه نتوانستم نوشته‌هایشان را بخوانم ، تحلیل خواهم کرد . بزرگ علوی به خاطر نوشته‌هایش  
درباره زندگانی پرولناریا مشهور است . همچنین به لهستان امروزی که در سال ۱۹۵۳ از آن  
بازدید کرد ، توجه دارد . دو قصه دزاشوب و رسوایی او در مجله سخن انتشار یافتند .  
صادق چوبک نیز با چاپ قصه عدل در همین مجله قدم‌های اول ( در نشر آثار خویش ) را برداشت .  
و کار خود را آغاز کرد . او مترجم نیز هست .

۱۰- آنان که در جریان فعالیت جمالزاده هستند می‌دانند که این سخنان فقط حاکی از فروتنی  
بسیار است . ب . ن .

11- R. Levy, Persian Literature, an Introduction. Oxford 1923,  
R. Lescot, Le roman et la nouvelle dans la littérature  
iranienne contemporaine, dans Bull. d'Etudes orientales  
de l'Institut Francais de Damas, 1942-43.

۱۲- نثر فارسی معاصر، با مقدمه استاد سعید نفیسی، ۱۳۳۰/۱۹۵۱. شاهکارهای نثر فارسی معاصر، ۱۳۳۰.

Persian Writers, n. spécial de la revue Life and Letters  
Vol. 63, décembre 1949, N. 148

به علاوه دکتريار شاطر قرار بود بخش مربوط به ادب فارسی را در "Cassell's Encyclopaedia of World Literatures" بنگارد.

۱۳- نویسنده صانع الدوله ذکر کرده است ( مترجم ).

۱۴- ر. ک. به سعید نفیسی، مقاله شماره ۱۸ از سلسله مقالات منتشر شده در ژورنال دو تهران سابق الذکر.

۱۵- ر. ک. به کنفرانس حاج میرزا یحیی دولت بادی راجع به شرح احوال مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام، قاهره، ۱۳۵۰ هـ. (از نشریات اداره سرپرستی محصلین در پاریس).

۱۶- روزه لسکوا این خصیصه را در نوشته های صادق هدایت، تشخیص داده و معلوم داشته است.

۱۷- در ۱۹۵۱ در پاریس خودکشی کرد.

دنباله دارد



بازیل نیگی تین در ژوئن ۱۹۶۰ در پاریس درگذشت (در هفتاد و شش سالگی)  
کتاب "ایرانی که من شناختم" به ترجمه همایون فرهوشی  
در سال ۱۳۲۹ در تهران منتشر شد. (راهنمای کتاب، ۳، ۳۱۰)